

دکتر سیدرسول موسوی*

مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه

چکیده

یکی از موضوعاتی که پیش از فوت صفر مراد نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان در محافل سیاسی و بین المللی مطرح می شد، اوضاع این کشور پس از اعلام فوت ترکمن باشی بود. اغلب تحلیل گران سیاسی با توجه به شیوه حکومت داری ترکمن باشی گمان می کردند که با اعلام فوت رهبر مادام العمر ترکمنستان و نبود سازوکارهای پیش بینی شده برای جانشینی مسالمت آمیز، احتمالاً انتقال قدرت در این کشور با موجی از نا آرامی روبه رو شود. اما چگونگی پیشرفت امور برخلاف تغییراتی که حتی در اجرای قانون اساسی پیش آمد، شرایط را به گونه ای دیگر رقم زد. به نظر می رسد روند انتقال قدرت در این کشور روندی مسالمت آمیز باشد. در این مقاله تلاش شده است تا دلایل این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها:

ترکمن، ترکمنستان، ترکمن باشی، صفر مراد نیازاف، بی طرفی مثبت.

مرور تاریخی

ترکمنستان با ۴۸۸/۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۵ میلیون نفر^۱ جمعیت (CIA-Factbook) در شمال شرقی کشور ما قرار گرفته و ۹۹۲ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد. این کشور همچنین در دریای خزر با کشور ما مرز آبی مشترک دارد، که به جهت مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر نمی‌توان مرز آبی دو کشور را تعیین شده قلمداد نمود. همسایگان دیگر ترکمنستان عبارتند از: افغانستان، ازبکستان و قزاقستان.

حدود چهار پنجم خاک ترکمنستان را کویر قره‌قوم تشکیل می‌دهد. برخلاف آنکه این کشور در ساحل دریای خزر قرار گرفته و در مجاور دو رود بزرگ آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) قرار دارد با این حال دارای آب و هوایی خشک و بیابانی است. به جز در نواحی مجاور رودخانه‌های یاد شده و کانال عظیم ۱۱۰۰ کیلومتری قره‌قوم که در دوران شوروی کشیده شده^۲ باقی نقاط این سرزمین خشک و عاری از سکنه است.

خاصیت بیابانی ترکمنستان موجب عدم پذیرش شهرنشینی و یکجانشینی بوده و موجب گردیده است که در طول تاریخ سکنه این سرزمین بیشتر به صورت اقوام صحراگرد باشند. این ویژگی روش زندگی و خصوصیات اخلاقی خاصی را به مردم این سرزمین تحمیل کرده است. قبل از دوران پادشاهی هخامنشی ترکمنستان سرزمین سکونت ماساژت‌ها بود که اقوامی ایرانی محسوب می‌شدند. در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی سرزمین امروزی ترکمنستان تحت حاکمیت پادشاهان ایرانی قرار داشت. در قرن پنجم میلادی ساسانیان با تهاجم هون‌ها (هیاطله) به کوه‌های کپه‌داغ عقب‌نشینی کردند. با عقب‌نشینی ساسانیان این منطقه به سکونت‌گاه اقوام ترک درآمد. در قرن هفتم میلادی دسته‌های اقوام ترک آغوز از ناحیه ارخون به سوی نواحی آرال و سیردریا کوچ کردند و به سرزمین جیحون و قره‌قوم رسیدند (سارلی، ۱۳۷۴، ص ۹).

۱. بر اساس برآورد در سال ۲۰۰۶ جمعیت ترکمنستان ۵/۰۴۲/۹۲۰ نفر تخمین زده می‌شود.

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/tu.html>

۲. کانال قره‌قوم در اوایل دهه ۵۰ میلادی و با استفاده از نیروی زندانیان سیاسی دوران شوروی در مدت

بیش از پنج سال در صحرای خشک قره‌قوم حفر گردید و آب آمودریا به آن هدایت شد. ابتدا قرار بود این

کانال به دریای خزر متصل گردد که این کار انجام نشد و اکنون یکصد کیلومتر با دریای خزر فاصله دارد.

<http://www.indexmundi.com/turkmenistan>

در قرن هفتم از سمت جنوب نیز اعراب مسلمان به این منطقه رسیدند و ضمن فتح ماوراءالنهر شهر مرو را به عنوان مرکز عملیات بسط نفوذ خود در ماوراءالنهر قرار دادند. زیرا که مرو در انتهای خراسان و ابتدای ماوراءالنهر و در مسیر راه‌های مختلف قرار داشت و به جهت داشتن موقعیت استراتژیکی مناسب می‌توانست بر مسیر راه‌های ارتباطی حاکم باشد. واژه ترکمن یا ترکمان برای اولین بار توسط مقدسی جغرافیدان معروف در قرن چهارم هجری برای نام بردن اقوام ساکن این سرزمین به کار برده شده است و این کلمه به دو معنی یکی مخفف کلمه «ترک مانند» (بنا به اعتقاد ابوریحان بیرونی، رشیدالدین فضل‌الله) و دیگری به معنی «ترک / ایمان» (بنا به اعتقاد طایر مروزی و فیروزآبادی) آورده شده است (سارلی، ۱۳۷۴، ص ۱۰).

مقدسی غزان را ترکمن نامیده و به تدریج این نام برای غزانی که مسلمان شده بودند جنبه عام یافت و کلمه ترکمن جانشین غزان شد. یکی از طوایف غز سلجوقیان بودند که توانستند در مدت کوتاهی از ماوراءالنهر و خراسان تا عراق و گرجستان را تحت حکومت واحدی درآورند. سلاجقه تا سال ۱۰۴۸ سرزمین‌های آذربایجان، بین‌النهرین و آسیای صغیر را درنوردیدند و امپراتوری روم شرقی را شکست داده تا سال ۱۰۵۹ حکومت مقتدری را در تمامی این سرزمین‌ها بنیان نهادند.

یکپارچگی اقوام ترکمن با حمله مغول از بین رفت و اقوام و سرزمین ترکمنستان بین وارثان چنگیز یعنی اولوس جوجی (اردوی زرین) و جغتای و هلاکو (ایلخانان ایران) تقسیم گردید. در حمله مغول مرو و چارجوی به‌طور کامل تخریب شدند و با تقسیم شدن سرزمین و قبایل ترکمن‌ها بین جانشینان چنگیز وحدت و یکپارچگی اقوام ترکمن از بین رفت. ظهور سلسله‌های ترکمن قره‌قویونلو و آق‌قویونلو هم نتوانست وحدت سابق را به میان ترکمنان بازگرداند. قبایل ترکمن در تمامی سرزمین‌های امپراتوری سابق سلجوقی پراکنده شدند و امروز اقلیت‌های قومی را در ایران، عراق و ترکیه تشکیل می‌دهند.

در دوران صفویه و افشاریه بخش‌های عمده‌ای از سرزمین امروزی ترکمنستان توسط سلاطین ایرانی اداره می‌شد ضمن آنکه اقوام ترکمن به جهت نوع زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای خود (که وابسته به هویت قومی خود هستند نه سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند) نوعی خودمختاری قبیله‌ای داشتند و رابطه دولت‌ها با قبایل از طریق سران قبیله برقرار می‌شد.

با روی کار آمدن سلسله قاجار به جهت ناتوانی و ضعف حکومت قاجاریه و قدرت‌گیری استعمارگران روس و انگلیس در کنار مرزهای ایران سرزمین کنونی ترکمنستان از خاک ایران جدا گردید و تحت سیطره روس‌ها درآمد. ترکمنستان یکی از نتایج بازی بزرگ روسیه و انگلیس در آسیای مرکزی بود که در نتیجه توافق دو قدرت روسیه و انگلیس در آسیای مرکزی نصیب روس‌ها شد. در نتیجه توافق دو قدرت روسیه و انگلیس برای تقسیم مناطق نفوذ خود در آسیای مرکزی قرارداد سرحدی ۱۸۷۳ بین این دو کشور در خصوص تقسیم حوزه‌های نفوذ به امضاء رسید. با این قرارداد انگلیس موفق شد حدود شمالی و قسمت‌های مهم نظامی هند را با قشون افغانستان برای هندوستان حفظ کند و در مقابل قشون روس از قشون‌های افغانی در نقاط مهم (نظیر درواز و بدخشان) برای خود استفاده کند. گلا دستون صدراعظم وقت انگلیس در این زمان طی نطقی در پارلمان ابراز امیدواری کرد که هر دو دولت روس و انگلیس از حدود خود پا فراتر نگذاشته و به مقاصد صلح‌جویانه کمک کنند. (سارلی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰)

قرارداد سرحدی ۱۸۷۳ دولتین انگلیس و روسیه برای هر دو کشور این فرصت را فراهم ساخت که بدون درگیر شدن با یکدیگر دامنه نفوذ خود را در مناطق تحت نظر خود گسترش دهند. این قرارداد دست روس‌ها را در آسیای مرکزی باز می‌گذاشت تا هر آنچه را که در منطقه تحت نفوذ خود داشتند با قدرت نظامی به‌دست آورند. در این تاریخ خیهو حکومتی مستقل داشت و بخش‌هایی از سرزمین ترکمنستان را تحت نفوذ خود قرار داده و قبایل ترکمن از خان خیهو اطاعت می‌کردند. خان خیهو وقتی با گسترش نظامی روسیه مواجه شد فرستادگانی به هندوستان اعزام نمود تا از انگلستان در مقابل گسترش طلبی روسیه تقاضای حمایت کند اما لرد نورشاپروک فرمانروای انگلیسی وقت هندوستان در مقابل استمداد نمایندگان خان خیهو اظهار داشت:

"علی‌احضرت ملکه بریتانیا برای این نزاعی که بین خان خیهو و امپراتور روسیه پیش آمده متأسف است و بهترین کاری که امروز خیهو می‌تواند در مقابل این پیش‌آمد انجام دهد همانا صلح با امپراتور روس است و به‌علاوه تسلیم شدن به تقاضای او". (محمود، ۱۳۶۷، ص ۱۰۵۹)

سرهنری راولینسون در تاریخ ۲۴ مارس ۱۸۷۳ (قبل از تصرف خیهو به دست قشون روسیه) در سخنرانی خود در انجمن سلطنتی جغرافیای لندن در مورد ترکمن‌ها و طوایف آنان می‌گوید:

"... طوایف ترکمن که مدت‌هاست از ازبک‌ها جدا شده‌اند در ابتدا از نژاد ازبک‌ها بودند و فعلاً تعداد چادرهای آنها به دویست هزار بالغ می‌شود هر گاه چادری پنج نفر حساب شود عده نفرات آنها بالغ بر یک میلیون نفر است. طوایف ... که عده آنها طبق نفرات در چادر که عبارت از ۱۲ هزار خانواده است محل آنها بین دریای خزر و دریاچه آرال واقع شده. بعد دو طایفه سالور و ساروق است که بیست هزار چادر دارند. محل آنها در کنار رود تجن و مرغاب است بعد طایفه تکه است. محل آنها در اتک یا دامنه تپه‌های مرو تا بحر خزر است. عده چادرهای آنها بالغ بر شصت هزار است و این طایفه بسیار رشید و جنگی هستند بعد از اینها طایفه یموت است و گوکلان قریب پنجاه هزار چادر دارند و محل اینها در قسمت‌های سرحدی ایران واقع است و در سواحل بحر خزر، اکثراً مطیع دولت ایران می‌باشند.

حال هیچ شکی نیست که روس‌ها در این ایام به طرف خیمه پیش رفته و از راه چکشلر بالطبع با تراکمه روابط پیدا خواهند کرد مخصوصاً با طایفه تکه. هر گاه با آنها نزدیک شوند آنها مطیع روس‌ها می‌شوند روس‌ها از تراکمه هم مثل قزاق‌های قرقیز استفاده خواهند کرد. البته در این صورت یک قشون کمکی خوب برای قشون‌های روس خواهند بود. حال من خوب می‌توانم پیش خود مجسم کنم که این پنجاه هزار سوار ترکمن مرکب از طوایف تکه، سالور و ساروق در تحت فرمان صاحب منصبان روس یک قشون سواره مهیبی در آسیا خواهند بود. ... چنین پیداست که این طوایف سال‌های متمادی هم خطر بزرگی برای قسمت‌های شرقی ایران خواهند بود و در عین حال موجب پیشرفت خطرناک یک دشمن بزرگ تمدن (روسیه) و منافع تجارت ما به شمار خواهند رفت. دولت روسیه آنها را تحت امر خود خواهد برد تا آنکه راه بین بحر خزر و رود جیحون مفتوح باشد" (سارلی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱). سخنرانی راولینسون مطالب قابل توجه دیگری هم دارد اما آنچه در این مقاله به آن توجه می‌شود نگاهی است که انگلیسی‌ها صدوشصت سال قبل به مسائل ترکمن‌ها دارند. نگاهی دقیق و علمی که اقدام به شناسایی طوایف مختلف ترکمن می‌کنند. تعداد و خصوصیات روحی آنان را شناسایی می‌کنند و نگاه استراتژیک روس‌ها را نسبت به آنان مشخص می‌کنند و در عمل دست روس‌ها را برای تسلط بر این منطقه باز می‌گذارند.

راولینسون حتی در ادامه سخنرانی خود به این موضوع اشاره می‌کند که اعتراض ترکمن‌ها به حکومت هند (دولت انگلیس) در خصوص حرکت روس‌ها به سمت ترکمن‌ها نتیجه‌ای نخواهد داشت و حکومت هند خواهد گفت:

"... امپراتور روسیه کاری با ترکمن‌ها ندارد و قشون هم به طرف آنها نمی‌فرستد. اما اگر این طایفه شرارت کنند و باز بخواهند به عملیات دزدی و غارتگری خودشان ادامه دهند دولت امپراتوری روسیه مجبور خواهد شد آنها را تنبیه کند."

عبارت فوق نقل قول دیگری است از پاسخ فرمانروای انگلیسی هند به استمداد نمایندگان خان خیوه که به روسیه اجازه می‌دهد تهاجم خود را به خیوه و سرزمین‌های ترکمن‌ها آغاز کند. تهاجم روسیه به خیوه و امضاء قرارداد تحت الحمایگی خان خیوه با فرمانده نظامی روسی سرآغاز جنگ‌های خونین روس‌ها با ترکمن‌هاست که سرانجام با شکست سخت ترکمن‌ها در گوگ‌تپه در ژانویه ۱۸۸۱ به پایان می‌رسد و هزاران ترکمن را در این فاصله به خاک و خون می‌کشد. فاجعه گوگ‌تپه در تاریخ معاصر ترکمنستان سرآغاز تسلط استعمار روسیه در آسیای مرکزی و ترکمنستان محسوب می‌شود. همین واقعه پس از استقلال ترکمنستان به عنوان روز مقاومت ترکمن‌ها محسوب می‌گردد (Hopkir, 1990, p89).

روسیه پس از تسلط بر گوگ‌تپه برای تسلط کامل خود در آسیای مرکزی دو اقدام مهم به عمل آورد یکی در سطح داخل که با تشکیل ایالت ماوراء قفقاز این قسمت را به صورت یک ایالت تحت نظر فرماندهی نظامی مستقر در قفقاز درآورد و دیگر در سطح خارجی که با ایران قرارداد آخال را در ۱۲ دسامبر ۱۸۸۱ به امضاء رسانید. به این ترتیب مرزهای شمالی ایران تعیین گردید که با اندک تغییرات به عمل آمده مرزهای امروز ایران با ترکمنستان را تشکیل می‌دهد.^۱

بعد از امضاء قرارداد آخال ناصرالدین شاه از جانب مجامع بین‌المللی، دولت انگلیس و مردم عادی ترکمن مورد سرزنش قرار گرفت. در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. که ناصرالدین شاه از طریق بجنورد عازم خراسان بود در جریان اعتراضات ترکمن‌ها و کردهای شادلو رانده شده از نواحی فیروزه و عشق‌آباد قرار گرفت که در داخواهی خود می‌گفتند که چرا مسجدهای ما و قبور پدران ما را به روس‌ها دادید؟ آنها در مساجد ما اسب بسته‌اند.

میرزا ملکم‌خان که در این زمان وزیر مختار ایران در انگلیس بود طی تلگراف رمزی به ناصرالدین‌شاه می‌نویسد که (انگلیسی‌ها) می‌گویند شما از روی غفلت سد استقلال ایران را

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی تسلط روس‌ها بر ترکمنستان و جنگ‌های روسیه با ترکمن‌ها مراجعه شود به کتاب "تاریخ ترکمنستان" تألیف آراز محمدسارلی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۳۷۴ و "ترکستان در تاریخ" تألیف محمدسارلی، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۴.

شکستید. آنچه داشتید تسلیم روس‌ها کردید و الان شما خواه ناخواه نوکر روس‌ها هستید. خدا رحم کرد که هرات را به شما ندادیم آن را هم به روس می‌دادید. آنچه از سیستان بدهیم آخر عاید روس خواهد شد. ناصرالدین شاه هم در پاسخ می‌نویسد: باید جواب نوشت ما چیزی به روس ندادیم شما که انگلیس هستید در حقیقت داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش آمدن به سمت آخال و ترکمان رسماً و قویاً مانع می‌شدند روس‌ها هیچ نمی‌توانستند داخل شوند. وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند سد راه و خیال روس‌ها بکند ما به طریق اولی نمی‌توانستیم (سارلی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷).

ناصرالدین شاه بعد از سقوط گوگ تپه پیام تهنیتی به امپراتور روسیه می‌فرستد و این پیروزی را به امپراتور تبریک می‌گوید و به این طریق تسلط روس‌ها را به سرزمین‌هایی که زمانی جزو خاک ایران بودند اعلام می‌کند. بدون آنکه در نظر داشته باشیم به شرح وقایع تاریخی ترکمنستان از چگونگی اشغال سرزمین‌های ترکمن‌ها تا تشکیل جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان در ۱۹۲۴ و استقلال ترکمنستان در ۱۹۹۱ بپردازم، فقط این اشاره را دارم که روس‌ها در مراحل مختلف تاریخی به سرزمین ترکمن‌ها همچون یک نیروی اشغالگر وارد شده‌اند و این موضوع در حافظه تاریخی ترکمن‌ها باقی مانده است.

نقش سیاسی و اجتماعی اقوام ترکمن

هدف از بیان چند فراز تاریخی درباره ترکمنستان آن است که نشان دهم بحث و بررسی مسائل امروزی ترکمن‌ها بدون داشتن اطلاعاتی کلی درباره چگونگی شکل‌گیری دولت ترکمنستان و نگاه‌های استراتژیک قدرت‌های وقت به این سرزمین ممکن نیست. آنچه امروز در ترکمنستان می‌گذرد شباهت‌های بسیاری با حوادث تاریخی این سرزمین دارد و تحلیل شرایط امروزی بدون توجه به تاریخ این سرزمین غیرممکن است. آنچه راولینسون در قرن نوزدهم درباره اقوام ترکمن و جایگاه و میزان قدرت و نفوذ آنان می‌گوید هنوز هم بعد از گذشت نزدیک به دو قرن به‌رغم تمام تحولات تاریخی بسیار از جمله حاکمیت تزارها و کمونیست‌ها بر این سرزمین اعتبار دارد.

راولینسون در سخنرانی سال ۱۸۷۳ خود اهمیت و قدرت طایفه تکه را مطرح می‌سازد و امروز با گذشت سال‌ها حاکمیت تزارها، روند روسی‌سازی اقوام مختلف، انقلاب بلشویکی، ورود انگلیسی‌ها به ترکمنستان و حمایت آنان از روس‌های سفید، از اواخر جنگ اول جهانی قیام باسماچیان، تسلط کمونیست‌ها در ترکمنستان، حاکمیت هفتاد ساله سخت روش‌های

استالینی و بالاخره استقلال ترکمنستان و حکومت اقتدارگرایانه صفرمراد نیازاف از بدو استقلال تا فوتش در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ هیچ کدام اهمیت و جایگاه طایفه تکه را تغییر نداد. با فوت صفرمراد نیازاف این طایفه با اقتدار تمام ارکان قدرت دولتی را در دست می‌گیرد. برخلاف صراحت قانون اساسی ترکمنستان که می‌بایست پس از فوت رئیس جمهور رئیس پارلمان عهده‌دار مسئولیت کفالت رئیس جمهوری تا برگزاری انتخابات می‌شد، به راحتی رئیس پارلمان کنار زده می‌شود تا قدرت سنتی طایفه تکه نظم و ثبات ترکمنستان را حفظ کند.

درباره اقوام مختلف ترکمن تقسیم‌بندی‌های مختلفی وجود داشته و تعداد خانوارها و اعضای هر یک از قبایل در منابع مختلف متفاوت ذکر می‌شود. در گذشته به جهت پراکندگی اقوام مختلف ترکمن بر حسب اینکه رهبران اقوام و طوایف ترکمن به کدام یک از کانون‌های قدرت ایران، بخارا و خیوه مالیات می‌پرداختند مورد شناسایی قرار گرفتند و گاه اتفاق می‌افتاد که بخشی از یک طایفه بزرگ به یک کانون قدرت و بخش دیگر به کانون دیگری مالیات می‌پرداخت.

آراز محمد سارلی در جلد اول کتاب تاریخ ترکمنستان اطلاعات مفیدی درباره جمعیت و طوایف مختلف ترکمن ارائه می‌دهد (سارلی، ۱۳۷۴، صص ۸۵ تا ۹۱ و ۱۲۴ تا ۱۳۱) و اختلافات موجود بین منابع مختلف را متذکر می‌گردد، اما در نهایت به این تقسیم‌بندی که خود ترکمن‌ها هم قبول دارند می‌رسد که ترکمن‌ها به ۹ شاخه اصلی تقسیم می‌شوند^۱.

۱. چاو دورها، ساکن در قسمت جنوبی منطقه بین دریای خزر و دریای آرال؛
۲. ارزاری‌ها، ساکن در ساحل چپ رود جیحون از چهارجوی تا بلخ که خود به بیست طایفه و تیره تقسیم می‌شوند؛
۳. آل‌علی (علی‌ال)، ساکن در آندخوی که خود به سه تیره تقسیم می‌شوند و به لحاظ جمعیت کمترین تعداد را تشکیل می‌دهند؛
۴. قره، ساکن در صحرای اندخوی و مرو که زندگی عشیره‌ای غیرساکن دارند؛
۵. سالور، ساکن در مرو که به جهت تعداد زیاد اعضای قبیله تعدادی از آنان در دو طرف مرز بین ایران و ترکمنستان زندگی می‌کنند؛

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توان به منبع ذیل نیز رجوع کرد :

بهادر خان ابوالقافی، "شجرنامه ترکمن‌ها"، کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه خطی)، شماره ۱۷۹۱.

۶. ساروق یا ساریقی، ساکن در کنار رود مرغاب که در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و افراد قبیله در افغانستان و ترکمنستان زندگی می‌کنند؛
۷. تکه که پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین قبیله را در تاریخ ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند. این قبیله دو توقفگاه عمده دارد یکی در آخال (در شرق تجن) و دیگری در مرو. تکه‌های آخال معمولاً از تکه‌های مرو پر قدرت تر بوده‌اند؛
۸. گوکلان که عمدتاً به کار کشاورزی اشتغال داشته‌اند بخش‌هایی از این قبیله در ترکمن صحرای ایران زندگی می‌کنند؛
۹. یموت که گفته می‌شود پس از تکه‌ها و ارزاری‌ها سومین قبیله پرجمعیت ترکمن‌ها را تشکیل می‌دهند در ساحل شرقی دریای خزر و برخی جزایر این دریا زندگی می‌کنند.
- باید خاطر نشان کرد که اختلافات زیادی در منابع مختلف درباره شاخه‌های مختلف اقوام ترکمن و تعداد آنها وجود دارد که در این جا صرفاً به یکی از تقسیم‌بندی‌های عمده اشاره گردید. در این تقسیم‌بندی‌ها یک موضوع که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که هویت افراد در قبیله بیشتر از هویت افراد بر حسب محل سکونت در زندگی اجتماعی ترکمن‌ها تأثیر دارد. و این مسأله مهم‌ترین تفاوت زندگی سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها با دیگر ملل آسیای مرکزی است.
- اصولاً در تمام کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای شوروی محل‌گرایی بحثی بسیار جدی و تأثیرگذار (شیخ‌عطار، ۱۳۷۳، ص ۲۲۰) در زندگی اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود و معمولاً قدرت سیاسی در اختیار مجموعه‌ای افراد که به یک شهر یا منطقه بخصوصی تعلق دارند، قرار می‌گیرد به گونه‌ای که صراحتاً عنوان می‌شود قدرت سیاسی یا اقتصادی در اختیار آنان قرار دارد و این مسأله یکی از دلایل بحران‌ها و منازعات محسوب می‌گردد.^۱ با توجه به آنچه گفته شد در ترکمنستان باید به جای جستجوی نقش محل‌ها و مناطق در قدرت

۱. جنگ داخلی تاجیکستان بهترین نمونه برای این بحث محسوب می‌گردد. هر چند که جنگ داخلی تاجیکستان با یک تقسیم‌بندی ایدئولوژیک آغاز شد اما آنچه نمود واقعی داشت جنگی بود که بین خجندی‌ها، کولابی‌ها، بدخشی‌ها، و خی‌یابی‌ها و ... در جریان بود و در نهایت صلح ناشی از توافق بین آنان در تقسیم قدرت به‌دست آمد.

سیاسی باید در جستجوی قبایل و طوایف بود و نقش بسیار با اهمیت رهبران و ریش سفیدان قبایل را در نظم و ثبات داخلی در نظر گرفت.

انتقال قدرت

الف - چالش های داخلی

اعلام رسمی درگذشت صفرمراد نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان در اعلامیه مشترکی که توسط شورای امنیت ملی، هیأت وزیران و مجلس نمایندگان ترکمنستان منتشر گردید صورت گرفت. در این اعلامیه مشترک آمده بود که نیازاف ساعت ۱ بامداد روز ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵ (اول دی ۸۵) به علت سکت قلبی درگذشت.

در این اعلامیه که درگذشت صفرمراد نیازاف را اعلام می داشت همزمان بر این موضوع تأکید می شد که سیاست ها و خط مشی های دوران نیازاف خصوصاً در مباحث سیاست خارجی ادامه خواهد یافت و در این خصوص بر سیاست «بی طرفی مثبت» ترکمنستان در عرصه بین المللی، رابطه خوب همسایگی، اعتماد متقابل برابری و سود متقابل در همکاری های بین المللی و تعهد به تمام معاهدات بین المللی تأکید گردید.^۱

در این اعلامیه درباره موضوع جانشینی، معرفی حکومت موقت، انتخابات آتی هیچ گونه صحبتی به میان نیامده بود اما به طور کاملاً مشخصی بر ادامه سیاست بی طرفی ترکمنستان در عرصه بین المللی تأکید داشت.

در ۲۶ دسامبر اعضای "شورای مصلحت خلق" که بالاترین مرجع تصمیم گیری در ترکمنستان محسوب می شود تشکیل جلسه داد. مجلس مصلحت خلق ترکیبی گسترده از تمام اعضای پارلمان، هیأت وزیران، استانداران، رهبران قبایل و دیگر افراد صاحب نفوذ ترکمنستان است. بر اساس اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ قدرت تصمیم گیری و تصویب قوانین حتی برای پارلمان (مجلس ملی) را دارد.

این شورا ۱۱ فوریه ۲۰۰۷ را به عنوان روز انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمود و بر اقدام صورت گرفته توسط شورای امنیت ملی در کنار زدن رئیس مجلس ترکمنستان که مطابق قانون اساسی رئیس حکومت موقت پس از فوت نیازاف تلقی می شد، صحه گذاشت و

1- <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eau122306>.

پذیرفت که «قربان اوغلی بردی محمداف» که توسط شورای امنیت ملی، به جای رئیس مجلس برکنار شده عهده‌دار کفالت ریاست جمهوری شده بود تا زمان برگزاری انتخابات قدرت دولتی را در اختیار داشته باشد. این شورا همچنین ممنوعیتی را که در قانون انتخابات مبنی بر عدم امکان کاندیدا شدن کفیل رئیس جمهور برای انتخابات ریاست جمهور بود تغییر داد و به بردی محمداف اجازه داد که در انتخابات آتی بتواند نامزد انتخابات گردد.^۱

بردی محمداف در اولین نطق عمومی خود که از رادیو تلویزیون ترکمنستان پخش شد اعلام داشت:

«ما امیدوار و مطمئن هستیم که یک انتقال باثبات و صلح‌آمیز خواهیم داشت ... حکومت تلاش خواهد کرد که عدالت، دموکراسی و رفاه را که خواسته آحاد مردم ترکمنستان است برآورده سازد.»

بردی محمداف حتی برای عده زیادی از مردم ترکمنستان هم فردی ناشناخته محسوب می‌گردد. اما افرادی که به کانون قدرت در ترکمنستان آشنایی دارند به رابطه نزدیک وی با صفرمراد نیازاف و به نقش پنهان او در شکل‌گیری تحولات پس از سال ۲۰۰۱ در ترکمنستان معترفند. گفته می‌شود او یک دندانپزشک است که به مقام وزارت بهداشت رسیده است و با وجودی که وی سمت وزارت بهداشت را به عهده داشت به جهت قرابت نسبی و قبیله‌ای که به نیازاف داشت نقش ویژه‌ای در ساختار قدرت پنهان ترکمنستان ایفاء می‌کرد.

در ترکمنستان عملاً حزب یا جریان متحد و عمده مخالف وجود ندارد. هر چند که برخی از وزرای سابق این کشور مانند «بوریس شیخ مراداف» و «نورمحمد حنان‌اف» در صف مخالفین قرار دارند. گفته می‌شود که شیخ مراداف فردی نزدیک به سیاست‌های روسیه و نورمحمدحنان‌اف فردی همسو با جریانات غربی است و در اوکراین زندگی می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ساختار قدرت قبیله‌ای در پشت قدرت ظاهری دولت قرار دارد مخالفین در عمل نتوانند در روند فعلی انتقال قدرت تأثیرگذار باشند.

پس از فوت نیازاف مصاحبه‌ای از نورمحمد حنان‌اف توسط رسانه‌های خبری پخش شد که وی در این مصاحبه صحبت از دستگیری‌های گسترده توسط بردی محمداف داشت که وی نام چند نفر از جمله وزیر دفاع را ذکر کرد که این صحبت‌های وی وقتی که وزیر دفاع در

۱. مجموعه اخبار مرتبط با فوت ترکمن‌باشی - ایتارتاس

جلسه شورای مصلحت خلق شرکت نمود عملاً تکذیب شد و اعتباری برای او به همراه نیاورد.

بوریس شیخ مراداف مخالف دیگر نیازاف است که در وین زندگی می‌کند و قبلاً وزیر خارجه ترکمنستان و از بنیان سیاست بی‌طرفی مثبت ترکمنستان محسوب می‌گردد. مراداف به داشتن رابطه خوب با روسیه و کشورهای منطقه مشهور است. با توجه به اینکه وی از جمله کادرهای سیاسی دوران شوروی محسوب می‌شد که پس از استقلال ترکمنستان مدتی عهده‌دار وظایف حکومتی بود و بعد به دنبال اختلاف با ترکمن‌باشی به صف مخالفین درآمد، از جانب غربی‌ها چندان از وی استقبال به عمل نمی‌آید و غربی‌ها او را چهره‌ای مربوط به گذشته می‌دانند.

موضوع دیگری که در اینجا شایان توجه است جایگاه «مراد نیازاف» پسر ترکمن‌باشی است که از سنت جانشینی پسر به جای پدر را که در برخی از کشورها به‌رغم داشتن حکومت جمهوری جاری است، برکنار مانده است. مراد از جانب رسانه‌های روسیه به شدت مورد حمله قرار گرفته شده و وی متهم است که در قاچاق و اقدامات غیرقانونی بین روسیه و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دست دارد. این موضوع باعث شده است که تا حدودی مراد و خانواده وی از ظاهر شدن در انظار عمومی پرهیز کنند.

بنابراین با توجه به شرایط موجود داخلی به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت اثری از ناآرامی و بی‌ثباتی در انتقال قدرت در ترکمنستان به لحاظ حمایت قدرت قبیله‌ای و نبودن مخالف قوی و متحد به وجود آید. به لحاظ شرایط خارجی هم سیاست اعلام شده بی‌طرفی مثبت این اطمینان را به همسایگان و منطقه و جامعه بین‌المللی می‌دهد که ترکمنستان تغییری در جهت‌گیری‌های خود نخواهد داد. البته حفظ بی‌طرفی ترکمنستان صرفاً یک بحث داخلی نیست و نیازمند رعایت شدن توسط دیگر کشورها و مراقبت ترکمنستان از اصول کلی بی‌طرفی است.

ب - چالش‌های خارجی

سیاست بی‌طرفی یا آنچه به طور مشخص «سیاست بی‌طرفی مثبت» که توسط نیازاف در سال ۱۹۹۱ مطرح شد بر این اصول تأکید دارد که ترکمنستان می‌خواهد با تمام کشورها رابطه

خوب داشته باشد و از وارد شدن به هرگونه بلوک‌بندی امنیتی، سیاسی و اقتصادی خودداری می‌کند (Albrecht Frosenschlager:1995).

سیاست بی‌طرفی مثبت ترکمنستان راهبردی است که این کشور در عرصه بین‌المللی اتخاذ کرده و آن را در مراحل مختلف تبیین و تثبیت نموده است. این سیاست ابتدا در ژوئیه ۱۹۹۲ در جریان اجلاس سران سازمان امنیت و همکاری اروپا که در هلسینکی منعقد شده بود توسط نیازاف مطرح شد و تشریح گردید که ترکمنستان در نظر دارد سیاست بی‌طرفی را برای خود در عرصه بین‌المللی پیش ببرد. پس از آن ترکمنستان که موفق شده بود به عضویت سازمان همکاری‌های اقتصادی ECO درآید در اجلاس اسلام‌آباد این سازمان منطقه‌ای که در مارس ۱۹۹۵ منعقد شد مجدداً بر اصل بی‌طرفی مثبت خود تأکید کرد و عضویت در اکو را در راستای این سیاست تعریف نمود و پنج ماه بعد در اجلاس غیر متعهدها که در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۵ تشکیل شد بر سیاست بی‌طرفی ترکمنستان مجدداً تأکید گردید.

نیازاف در تمامی سفرهای رسمی دوجانبه خود به کشورهای روسیه، آمریکا، چین، ایران، ترکیه، هند، پاکستان و دیگر کشورها در ملاقات با رهبران دولت‌ها و رؤسای سازمان‌های بین‌المللی تشریح اصول بی‌طرفی مثبت ترکمنستان را مهم‌ترین هدف می‌دانست. سرانجام با پی‌گیری‌های ترکمنستان ۱۸ کشور^۱ بانی قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد شدند تا بی‌طرفی ترکمنستان در سازمان ملل به تصویب برسد. رئیس‌جمهور ترکمنستان در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس این سازمان در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۵ شرکت نموده و به دفاع از قطعنامه ارائه شده پرداخت و مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ به اتفاق آراء (۱۸۵ کشور عضو در آن تاریخ) بی‌طرفی ترکمنستان را به تصویب رساند. (مجموعه اسناد مجمع عمومی سازمان ملل متحد- ویژه پنجاهمین سالگرد مجمع عمومی ۱۹۹۵).

سیاست بی‌طرفی مثبت ترکمنستان به اصول ذیل تأکید دارد:

۱. عدم عضویت در اتحادیه‌ها و بلوک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی؛

۱. کشورهای بانی قطعنامه بی‌طرفی ترکمنستان عبارتند از: ایران، روسیه، آمریکا، چین، انگلیس، فرانسه، هند، ترکیه، اوکراین، اسپانیا، آلمان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، عربستان، امارات متحده عربی.

۲. محدود شدن قدرت ارتش ترکمنستان فقط برای دفاع از صلح و آزادی در عرصه داخلی؛
 ۳. ممنوعیت، نگهداری و ترانزیت سلاح‌های کشتار جمعی؛
 ۴. تأکید بر حل و فصل تمام اختلافات با کشورهای مختلف از طریق سازمان ملل متحد؛
 ۵. رابطه متوازن و برابر با تمام کشورها بدون در نظر گرفتن قدرت و اندازه کشورها؛
 ۶. پیشبرد سیاست‌ها در همکاری نزدیک با سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه.
- ترکمنستان ۱۲ دسامبر، روز تصویب قطعنامه را به عنوان «روز بی‌طرفی» نام‌گذاری کرده و همه ساله در این روز جشن‌هایی را در ترکمنستان برگزار می‌نماید و بی‌طرفی را اساس و بنیان صلح، ثبات، وحدت سرزمینی و سیاست همسایگی خوب این کشور می‌داند و آن را سیاستی دائمی که بر بنیان‌های اخلاقی و سنتی ترکمن‌ها استوار است تفسیر می‌کند.
- ترکمنستان با تأکید بر مفهوم "بی‌طرفی مثبت" به تفاوت بین بی‌طرفی به معنی انزواگرایی و بی‌طرفی به معنی عدم تعهد اشاره می‌کند و معتقد است که ترکمنستان تمایل دارد در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش فعال خود را داشته باشد اما در ایفای این نقش خود را متعهد به بلوک‌ها و ائتلاف‌ها نمی‌کند و برای اثبات این نظر خود به مذاکرات انجام شده در عشق‌آباد در جریان مذاکرات صلح تاجیکستان و نشست کشورهای ۶+۲ در موضوع افغانستان اشاره می‌نماید (Gergory Gleason, 12/23/6).
- مفهوم سیاست بی‌طرفی مثبت ترکمنستان را اگر در عرصه اجرای سیاست خارجی این کشور معنی کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که ترکمنستان اعلام می‌نماید که در عرصه سیاست خارجی، این کشور دوست همه کشورها است. اگر این گونه است پس در همکاری‌های اقتصادی ترکمنستان فرصت برابر در اختیار همه کشورها بر اساس منافع ملی خود قائل است که در این راستا مشارکت در بخش گاز مهم‌ترین همکاری اقتصادی ترکمنستان با دیگر کشورها قلمداد می‌شود. بنابراین نوع رفتار ترکمنستان در چگونگی پیشبرد همکاری‌های این کشور در بخش انرژی با تأکید بر گاز مهم‌ترین شاخص در نشان دادن سیاست بی‌طرفی محسوب می‌گردد.
- اگر به مباحث و مذاکرات مربوط به نحوه انتقال و قیمت گاز ترکمنستان توجه کنیم به خوبی می‌توان این نکته را درک کرد که اعلام سیاست بی‌طرفی توسط ترکمنستان نوعی تقابل دیپلماتیک با فشارهای روسیه در ابعاد مختلف از جمله بحث قیمت و چگونگی انتقال گاز

ترکمنستان بوده است. این کشور بر خلاف انتقال بخش کوچکی از گاز خود به جمهوری اسلامی ایران و امضاء موافقتنامه انتقال گاز به پاکستان از طریق افغانستان در قراردادی که در سال ۲۰۰۳ با گازپروم روسیه به امضاء رساند، برای مدت ۲۵ سال انتقال گاز ترکمنستان را با حدود نصف قیمت گازی که روسیه به اوکراین می‌فروشد، در اختیار روسیه قرار داد. روسیه از ترکمنستان بدون احتساب هزینه انتقال که آن را جداگانه دریافت می‌کند، عمده گاز آن را خریداری می‌نماید (Gergory Gleason, 12/23/6).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در مرور تاریخی گفته شد اصولاً فرهنگ سیاسی در ترکمنستان بر بنیان روابط قبیله‌ای و طایفه‌ای استوار است. بنابراین در صورتی که این روابط به خوبی شناخته شده و روابط سنتی موجود مدیریت شود می‌توان گفت که به جهت داخلی ترکمنستان با تهدید بی‌ثباتی روبه‌رو نخواهد بود. فقط آنچه که می‌تواند این کشور را با بی‌ثباتی مواجه سازد دخالت‌های خارجی است.

ترکمنستان با اتخاذ سیاست بی‌طرفی مثبت و تلاش‌های به‌عمل آمده در این ارتباط که بی‌طرفی این کشور مورد شناسایی بین‌المللی قرار گیرد. این فرصت را برای خود به‌وجود آورده است تا بتواند برای عدم دخالت در امور داخلی ترکمنستان موقعیت حقوقی بین‌المللی فراهم آورد.

البته در کنار بحث بی‌طرفی ترکمنستان موضوع منابع انرژی این کشور مسأله‌ای است که با توسل به مباحث حقوقی و روابط بین‌المللی، نمی‌توان مانع از جستجوی منافع دیگران شد. در این خصوص ترکمنستان تلاش نموده است تا با انعقاد قرارداد ۲۵ ساله با روسیه فشارهای سیاسی پیش روی خود را برطرف سازد. بنابراین تا زمانی که روسیه منافع خود را در انرژی ترکمنستان به‌دست آورد و چالشی برای منافع روسیه وجود نداشته باشد. روسیه از سیاست بی‌طرفی ترکمنستان حمایت خواهد کرد. این موضوع باعث خواهد شد که فشار سیاسی خارجی هم بر روی ترکمنستان به حداقل برسد. لذا مجموع عوامل داخلی و خارجی به گونه‌ای شکل گرفته است که در کوتاه مدت چالشی که موجب برهم خوردن ثبات این کشور باشد، در پیش روی ترکمنستان وجود ندارد.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی:

۱. آکینر شیرین، (۱۳۶۶)، "اقوام مسلمان اتحاد شوروی"، ترجمه علی خزاعی فر، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. بهادر خان ابوالقافی، "شجرنامه ترکمن‌ها"، کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه خطی)، شماره ۱۷۹۱.
۳. سارلی، آراز محمد (۱۳۷۴) "تاریخ ترکمنستان"، جلد اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. سارلی، آراز محمد (۱۳۶۴) "ترکستان در تاریخ"، تهران انتشارات امیر کبیر.
۵. شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۷۳) "ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. زکی ولیدی طوفان (۱۳۶۷) "قیام باسماچیان"، تهران انتشارات امیر کبیر.
۷. لوساژ میشل (۱۳۵۷) "نظام سیاسی اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی"، ترجمه جمشید نبوی، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. لوگاشوا بی بی رابعه (۱۳۵۹) "ترکمن‌های ایران"، تهران انتشارات شباهنگ.
۹. محمود، محمود (۱۳۶۷) "تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم"، جلد ۳، تهران، اقبال.
۱۰. "مجموعه اخبار مرتبط با فوت ترکمن باشی" - ایتارتاس <http://www.itartas.ru/eng>
۱۱. "مجموعه اسناد مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۵) ویژه پنجاهمین سالگرد مجمع عمومی".

B: English

1. Albrecht Frosenschlager, "Turkmenistan: On its Way to Political and Economic Independence", Eurasia, Vol2, No.3, 1995.
2. Alexis K rausse, "Russia in asia", Curzon Press, 1997.
3. Gleason, Gergory (12/23/06) "Turkmenistan After Turkmenbashi" Eurasia net.org
4. Cumming, Puncan, "The Country of Turkomans", London: Oguz Press and Royal Geographical Society, 1979.
5. Dale F. Eickelman, "Russian Muslim Fronties", Indiana University Press ۱۹۹۳.
6. Hopkir, Peter, "The Great Game", London: John Murray ۱۹۹۰.
7. Yaacov, Roi, Muslim Eurasia, London: Frank Cass ۱۹۹۵.
8. <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eau122306>.
9. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/tu.html>
10. <http://www.indexmundi.com/turkmenistan>